



Analyzing the Link between Cultural Heritage and Human Rights: Examining the Position of the Right to Cultural Heritage in International Documents

Mohadeseh Ghavamipour Sereshkeh^{*1}, Amirreza Mahmoudi²

1. PhD student in criminal law and criminology, Lahijan branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran (Corresponding Author) Email: mohadesehghavamipour@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. Email: amirreza.mahmodi@gmail.com

Abstract

The protection of cultural heritage is recognized not only from a cultural and historical perspective, but also as a fundamental right in the international human rights system. Using a descriptive-analytical method, this study examines the link between the protection of cultural heritage and human rights and analyzes the position of the right to cultural heritage within the framework of international documents, including the UNESCO Conventions and the Faro Convention. The findings show that the right to cultural heritage, as part of the right to participate in cultural life, is directly related to principles such as human dignity, cultural diversity, and minority rights. In addition, a review of international practices indicates that the UN human rights mechanisms, especially the Human Rights Council and the Committee on Economic, Social and Cultural Rights, have increasingly addressed the concept of the right to cultural heritage in recent years. However, challenges such as the lack of binding obligations for states, the lack of adequate enforcement guarantees, and the instrumental exploitation of cultural heritage in domestic and international policies are considered obstacles to the full realization of this right. The present study, through a comparative analysis of existing legal mechanisms, emphasizes the need to formulate comprehensive, participatory, and binding policies for the protection of cultural heritage.

Keywords: Cultural heritage, human rights, human dignity, cultural diversity, Committee on Economic, Social and Cultural Rights.

Received: 2025/01/21
Revised: 2025/02/17
Accepted: 2025/03/02
Available Online: 2025/03/10

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/CJLS.2025.2051262.1022



تحلیل پیوند میراث فرهنگی و حقوق بشر: بررسی جایگاه حق میراث فرهنگی در اسناد بین‌المللی

محدثه قوامی‌پور سرشکه^۱، امیررضا محمودی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)

رایانامه: mohadesehghavamipour@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران.

رایانامه: amirreza.mahmodi@gmail.com

چکیده

حفاظت از میراث فرهنگی نه تنها از منظر فرهنگی و تاریخی، بلکه به‌عنوان یک حق بنیادین در نظام بین‌المللی حقوق بشر شناخته شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی پیوند میان حفاظت از میراث فرهنگی و حقوق بشر پرداخته و جایگاه حق میراث فرهنگی را در چارچوب اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های یونسکو و پیمان فارو، تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حق میراث فرهنگی به‌عنوان بخشی از حق مشارکت در زندگی فرهنگی، در ارتباط مستقیم با اصولی نظیر کرامت انسانی، تنوع فرهنگی و حقوق اقلیت‌ها قرار دارد. علاوه بر این، بررسی رویه‌های بین‌المللی حاکی از آن است که مکانیزم‌های حقوق بشری سازمان ملل، به‌ویژه شورای حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای به مفهوم حق میراث فرهنگی پرداخته‌اند. با این حال، چالش‌هایی نظیر عدم تعهدات الزام‌آور برای دولت‌ها، فقدان ضمانت‌های اجرایی کافی و بهره‌برداری ابزاری از میراث فرهنگی در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی، مانعی بر سر راه تحقق کامل این حق محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با تحلیل تطبیقی سازوکارهای حقوقی موجود، بر ضرورت تدوین سیاست‌های جامع، مشارکتی و الزام‌آور برای حفاظت از میراث فرهنگی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: میراث فرهنگی، حقوق بشر، کرامت انسانی، تنوع فرهنگی، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۱/۰۱	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۱۱/۲۹	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۱۲/۱۱	:DOI	10.22034/CJLS.2025.2051262.1022
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۱۲/۱۹		

میراث فرهنگی به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر هویت جوامع بشری، نقشی اساسی در حفظ و انتقال ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی دارد. این مفهوم که در ابتدا صرفاً در چارچوب حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گرفت، در دهه‌های اخیر با توسعه مباحث حقوق بشری، به یکی از موضوعات کلیدی در نظام بین‌المللی حقوق بشر تبدیل شده است. امروزه، حق میراث فرهنگی نه تنها در اسناد بین‌المللی مرتبط با حفاظت از میراث، بلکه در معاهدات و مکانیزم‌های حقوق بشری نیز مورد تأکید قرار گرفته است. سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و شورای حقوق بشر سازمان ملل، بر پیوند میان میراث فرهنگی و حقوق بشر تأکید داشته و مفهوم حق میراث فرهنگی را به‌عنوان بخشی از حقوق بنیادین بشری مورد شناسایی قرار داده‌اند. با این حال، علی‌رغم پیشرفت‌های حاصل‌شده در حوزه شناسایی و حمایت از میراث فرهنگی، همچنان چالش‌های متعددی در مسیر تحقق این حق وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به عدم تعهدات الزام‌آور دولت‌ها، سوءاستفاده‌های سیاسی از میراث فرهنگی و نبود ضمانت‌های اجرایی کافی در سطح بین‌المللی اشاره کرد. در این راستا، پرسش اصلی این پژوهش آن است که حق میراث فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر چگونه تعریف شده و چه ارتباطی با اصولی مانند کرامت انسانی، تنوع فرهنگی و حقوق اقلیت‌ها دارد؟ همچنین، سازوکارهای بین‌المللی تا چه میزان در تضمین و اجرای این حق موفق بوده‌اند؟

فرضیه اصلی پژوهش این است که حق میراث فرهنگی به‌عنوان یکی از مصادیق حق مشارکت در زندگی فرهنگی، در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، اما به دلیل ضعف ضمانت‌های اجرایی و نبود تعهدات الزام‌آور برای دولت‌ها، تحقق کامل آن با چالش مواجه است. برای بررسی این فرضیه، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های یونسکو و پیمان فارو، پرداخته و میزان تحقق و اجرای حق میراث فرهنگی را از منظر سازوکارهای حقوق بشری مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حق میراث فرهنگی از ارتباط تنگاتنگی با مفاهیمی همچون هویت فرهنگی، حقوق اقلیت‌ها و اصول بنیادین حقوق بشر برخوردار است. در عین حال، نبود رویکردی جامع و الزام‌آور در سطح بین‌المللی موجب شده است که حفاظت از میراث فرهنگی، به‌ویژه در شرایط درگیری‌های مسلحانه و تخریب‌های عمدی، همچنان با چالش‌های اساسی روبه‌رو باشد. این پژوهش با تحلیل وضعیت موجود، بر ضرورت تدوین سیاست‌های

حقوقی جامع و تقویت مکانیزم‌های اجرایی در راستای حمایت از حق میراث فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر تأکید دارد.

۱. تعریف و اهمیت میراث فرهنگی در دنیای معاصر

از آنجاکه میراث فرهنگی حوزه‌ای در حال تحول و پویایی است، دامنه این مفهوم در حال توسعه و گسترش است. در ساده‌ترین تعریف، میراث فرهنگی به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های ملموس و ناملموس که حافظه بشریت را تشکیل می‌دهند، بیان می‌شود. با این حال، تعریف مورد توافقی درباره این مفهوم وجود ندارد. این اصطلاح با توجه به عواملی همچون اینکه میراث فرهنگی برای چه کسانی و چرا مهم است و کدام ارزش‌ها باید در چارچوب میراث فرهنگی در نظر گرفته شوند، تعریف می‌شود. (Blake, 2000, p.62)

برخی میراث فرهنگی را به‌عنوان یک فرآیند فرهنگی تعریف کرده‌اند که هدف آن یادآوری، حفظ و معنا بخشیدن به ارزش‌های ملموس و ناملموس انتقال‌یافته از گذشته به امروز است. (Smith, 2006, p.44) طبق یک تعریف دیگر، میراث فرهنگی شامل عناصری ملموس و ناملموس باارزشی فوق‌العاده و مهم است که در ساختار فرهنگی جای دارند. (Borowiecki et al. 2016, p.xx) همچنین، تعریف دیگری میراث فرهنگی را به‌عنوان چیزهایی که یک فرد یا جامعه آن‌ها را شایسته ارج‌گذاری، دسته‌بندی، حفاظت، نمایش، ترمیم و تقدیر می‌داند، توصیف کرده است. (Kersel & Luke, 2015, p.71) در متون بین‌المللی، چارچوب مفهوم میراث فرهنگی معمولاً با تعیین عناصری که ارزش حفاظت دارند، مشخص شده است. (Vecco, 2010, p.322) در این راستا، در کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که در یونسکو به تصویب رسیده است، دامنه میراث فرهنگی به بناها، مجموعه‌های معماری و محوطه‌ها محدود شده است. همچنین در کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس مصوب سال ۲۰۰۳ یونسکو، میراث فرهنگی ناملموس شامل آداب، نمایش‌ها، بیان‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و ابزارها، وسایل و مکان‌های فرهنگی مرتبط که به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد شناخته می‌شود، تعریف شده است.

شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها^۱ میراث فرهنگی را به‌عنوان تجلیاتی از سبک زندگی یک جامعه تعریف کرده که شامل آداب و رسوم، سنت‌ها، مکان‌ها، اشیاء، بیان‌های هنری و ارزش‌های فرهنگی است که از سوی جامعه ایجاد و به نسل‌های آینده منتقل می‌شوند. در چارچوب

جدیدترین متون بین‌المللی مرتبط با حفاظت از میراث فرهنگی، نظیر کنوانسیون چارچوب ارزش میراث فرهنگی برای جامعه، میراث فرهنگی به‌عنوان مجموعه‌ای از منابع که از گذشته به ارث رسیده‌اند و بازتاب و بیان ارزش‌ها، باورها، دانش و سنت‌های در حال تحول انسانی هستند، تعریف شده است.

میراث فرهنگی شامل ارزش‌های ملموس و ناملموس است. میراث فرهنگی ملموس^۱ شامل ارزش‌های غیرمنقولی نظیر بناها، سازه‌ها و محوطه‌های باستانی و ارزش‌های منقولی مانند مجموعه‌های موزه‌ای، آثار هنری و کتاب‌ها می‌شود. از سوی دیگر، میراث فرهنگی ناملموس^۲ شامل زبان‌ها، ادیان، سنت‌ها، آوازه‌ها، رقص‌ها، آیین‌ها، اسطوره‌ها و ارزش‌های مشابه است. (Sancakdar, 2012, p.41)

توضیح میراث فرهنگی ملموس، بدون ارتباط با مفاهیم «دارایی فرهنگی» یا «اموال فرهنگی» ممکن نیست. این مفاهیم، هم در حقوق بین‌الملل برای بیان میراث فرهنگی ملموس به‌طور مکرر مورد استفاده قرار می‌گیرند. این امر را می‌توان با بررسی توسعه و تغییر تاریخی این مفاهیم توضیح داد. اگرچه ممکن است تصور شود که نحوه استفاده از این مفاهیم اهمیت عملی ندارد، اما نباید از تأثیر ادراکات مفهومی و اهداف اجتماعی که این مفاهیم به آن‌ها اشاره می‌کنند بر دامنه حفاظت غافل شد. به این ترتیب، واژه «میراث» در مفهوم «میراث فرهنگی» معانی انتقال و واگذاری را در بردارد. این موضوع انتقال سنت‌ها، آیین‌ها، سبک‌های زندگی و سایر شیوه‌های مربوط به زندگی انسانی به نسل‌های بعدی را تسهیل می‌کند و مفهومی مناسب‌تر برای این هدف ایجاد می‌نماید. در مقابل، دشوار است که ادعا شود مفهوم «دارایی فرهنگی» چنین تداعی معنایی را به وجود می‌آورد. (Prot & O'Keefe, 1992, p.307)

اصطلاح «دارایی فرهنگی» به حفظ حقوق مالکیت افراد، مؤسسات یا دولت‌ها بر آن دارایی اشاره دارد، درحالی‌که «میراث فرهنگی» به حقوق نسل‌های کنونی و آینده برای بهره‌مندی و دسترسی به این عناصر میراث فرهنگی اشاره دارد. به این ترتیب، می‌توان حقوق افراد، مؤسسات یا دولت‌ها را که به‌عنوان مالک این عناصر تلقی می‌شوند، محدود کرد. (Prot & O'Keefe, 1992, p.309) در حوزه‌هایی مانند انسان‌شناسی، تاریخ و جامعه‌شناسی، اصطلاح «میراث فرهنگی» به شکل جهانی پذیرفته شده و استفاده از مفاهیم «دارایی فرهنگی» یا «اموال فرهنگی» متوقف شده است. با این حال، در حقوق، این مفاهیم هنوز به‌صورت متقابل یا جایگزین استفاده می‌شوند که

1. Tangible Cultural Heritage
2. Intangible Cultural Heritage

این امر اجتناب‌ناپذیر است و نوعی ابهام مفهومی ایجاد می‌کند. به‌طور خلاصه، استفاده از اصطلاح «دارایی فرهنگی» تداعی‌های مفهومی مرتبط با مالکیت را در بردارد و ممکن است به تجاری‌سازی ارزش‌های فرهنگی و ارزیابی آن‌ها بر اساس ارزش اقتصادی‌شان منجر شود. در مقابل، اصطلاح «میراث فرهنگی» مفهومی ایجاد می‌کند که بر انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده و لزوم حفاظت و نگهداری از آن‌ها تأکید دارد. اصطلاحی که امروزه در متون حقوق بین‌الملل استفاده می‌شود نیز از «دارایی فرهنگی» به «میراث فرهنگی» تغییر یافته است و به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی ما نیز استفاده از مفهوم «میراث فرهنگی» دقیق‌تر خواهد بود.

موضوع دیگری که باید در ارتباط با مفهوم میراث فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد، چگونگی حفاظت از عناصر میراث فرهنگی و اینکه کدام عناصر ارزش حفاظت دارند و باید در چارچوب میراث فرهنگی در نظر گرفته شوند، است. درحالی‌که حفاظت از میراث فرهنگی ملموس شامل حفاظت فیزیکی است، حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس شامل انتقال سنت‌های شفاهی یا غیرشفاهی، شیوه‌های تولید سنتی، هنرهای نمایشی، کاربردهای اجتماعی، آیین‌ها، جشنواره‌ها و دانش حاصل از تجربیات نسل‌های گذشته به نسل‌های آینده است. اگرچه حفاظت از میراث فرهنگی ملموس به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است، اما رویکردی مشابه نسبت به حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس وجود ندارد. حتی باوجود این تقسیم‌بندی، توسعه یک رویکرد جامع برای حفاظت از میراث فرهنگی بسیار اهمیت دارد. به این معنا که یک سازه در میراث فرهنگی ملموس تنها زمانی ارزش واقعی خود را پیدا می‌کند که با پویایی‌های زندگی پیرامون خود ارزیابی شود.

بناها، آثار و محوطه‌های تاریخی به‌تنهایی می‌توانند به اشیایی خالی از زندگی و بدون نشانه‌های حیات تبدیل شوند. همان‌طور که نمی‌توان بناهای دینی را بدون دین تصور کرد، ساختارها، ابزارها، آثار هنری یا تولیدات نیز بدون پویایی‌های زندگی پیرامون خود و افرادی که آن‌ها را تولید کرده‌اند، بی‌روح و بی‌معنا می‌شوند. (Ito, 2020) در این راستا، برای حفاظت از میراث فرهنگی، نیاز به سیاست‌های فرهنگی وجود دارد که بتوانند هم میراث فرهنگی ملموس و هم میراث فرهنگی ناملموس را به‌طور هم‌زمان حفظ کنند. همان‌طور که نمی‌توان میراث فرهنگی ملموس را جدا از آیین‌ها، کاربردها و شیوه‌های بیان پیرامونی آن تصور کرد، میراث فرهنگی ناملموس نیز نمی‌تواند مستقل از بستر مادی آن معنا یابد.

اگرچه میراث فرهنگی به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های ملموس و ناملموس که حافظه بشریت را تشکیل می‌دهند، تعریف شده است، اما واقعیت این است که تمامی آثار، بناها، شیوه‌ها، زبان‌ها، آیین‌ها و تولیدات سنتی گذشته به‌عنوان میراث فرهنگی در نظر گرفته نشده و محافظت

نمی‌شوند. این ارزش‌های ملموس یا ناملموس تنها پس از گذر از فرآیندی انتخابی و انحصاری، عنوان «میراث فرهنگی» را به دست می‌آورند.

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در چارچوب کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که در سال ۱۹۷۲ به تصویب رسید، معیار اصلی برای شناسایی مناطقی که در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار خواهند گرفت، داشتن ارزش برجسته جهانی تعیین کرده است. افزون بر این، معیارهایی نظیر نمایش نبوغ خلاق انسانی، ارائه گواهی بر توسعه ارزش‌های انسانی در یک دوره زمانی یا یک منطقه خاص، ارائه نمونه‌ای بی‌نظیر از یک تمدن زنده یا منقرض شده و نمایش سازه‌های تکنولوژیکی یا معماری که دوره‌ای مهم از تاریخ بشریت را بازتاب می‌دهند، تعریف شده‌اند. همچنین، پیوند با سنت‌های زنده و دارا بودن معنای ادبی یا هنری استثنایی در سطح بین‌المللی نیز از جمله این معیارها به شمار می‌روند.

میراث فرهنگی مفهومی فراتر از یک اصطلاح فنی است. این مفهوم نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی و تعلقات، مشروعیت‌بخشی به آن‌ها، بازتولید و تضمین پایداری آن‌ها ایفا می‌کند. این موضوع را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که ادراک مشترک از گذشته - که اساس ساخت هویت است از طریق اشیاء فرهنگی، مکان‌ها و سنت‌های مختلف همچون بناهای معماری، آثار تاریخی، روایت‌های شفاهی، هنرهای نمایشی و آیین‌ها تجسم پیدا می‌کند. (Aykan, 2018, p.233) به این ترتیب، میراث فرهنگی امکان نمایندگی هویت‌های اجتماعی مختلف را فراهم می‌آورد، فضایی برای تجلی آن‌ها ایجاد می‌کند و ساخت هویت را هم از منظر نمادین و هم از منظر ملموس تقویت می‌کند.

میراث فرهنگی در شکل‌گیری آینده نیز به‌عنوان عرصه مشترک جوامع عمل می‌کند و بر تنوع مشارکت‌های فردی همه انسان‌ها استوار است. به همین دلیل، بهره‌مندی از میراث فرهنگی، حق هر فرد به‌شمار می‌آید. از این رو، حفاظت از میراث فرهنگی نباید تنها به صلاح‌دید دولت‌ها واگذار شود، بلکه باید به‌عنوان موضوعی با اهمیت جهانی مورد توجه قرار گیرد.

۲. رابطه بین حفاظت از میراث فرهنگی و حقوق بشر

رابطه بین حفاظت از میراث فرهنگی و حقوق بشر علی‌رغم اهمیت بالایی آن، به‌ویژه از سوی متخصصان حقوق بشر، در مطالعات علمی به‌اندازه کافی بررسی نشده است. بررسی موضوع میراث فرهنگی در ارتباط با مفاهیم و نهادهای حقوق بشر، گامی مؤثر در جهت ایجاد سیاست‌های حفاظت قوی‌تر و جهانی‌تر خواهد بود؛ زیرا هدف از حفاظت میراث فرهنگی در بسیاری از ابعاد با مفاهیم حقوق بشر هم‌پوشانی دارد. در این راستا، اندیشه حفاظت از میراث فرهنگی و دسته‌بندی حقوق بشر

تحت عنوان «حقوق فرهنگی» تا حد زیادی اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. (Aykan, 2018, p.233)

حفاظت از میراث فرهنگی به طور مستقیم با موضوع حقوق بشر مرتبط است. با این حال، این ارتباط همیشه معنای مثبتی ندارد. ممکن است مفهوم میراث فرهنگی توسط کسانی که حقوق بشر را نقض می‌کنند، به عنوان توجیهی برای محدود کردن حقوق بشر مطرح شود. (Ziegler, 2007, p.1)

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک میان مفاهیم میراث فرهنگی و حقوق بشر، جنبه زمانی آن‌هاست. از نظر زمانی، میراث فرهنگی بر اساس نیازهای روز شکل می‌گیرد، اما هدف از حفاظت آن، انتقال ارزش‌های آن به آینده‌ای خیالی است. به طور مشابه، حقوق بشر نیز تنها به تحولات روز محدود نمی‌شود. اگرچه فهرست حقوق بشر بر اساس مطالبات روز اصلاح می‌شود، هدف آن تأمین میراثی مثبت برای نسل‌های آینده نیز است. (Graham & Howard, 2008, p.2)

دسته‌بندی‌های مختلف میراث فرهنگی، به دلیل ویژگی‌های خاص خود، مسائل متفاوتی در زمینه‌ی حقوق بشر ایجاد می‌کنند. در ارتباط با میراث فرهنگی ملموس، مشکلات حقوق بشری معمولاً در مراحل کسب عنوان میراث فرهنگی، ثبت، حفاظت، مدیریت و نظارت بر آن پدیدار می‌شود. در این زمینه، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی اصول و استانداردهای متعددی تدوین کرده‌اند. از سوی دیگر، مدیریت میراث فرهنگی ناملموس و تنظیم قوانین مرتبط با آن، مشکلات مستقیم و پیچیده‌ای در زمینه حقوق بشر ایجاد می‌کند. این امر عمدتاً به این دلیل است که میراث فرهنگی ناملموس، میراثی زنده و پویا است. برخلاف میراث ملموس، برای این نوع میراث نمی‌توان فرایندهایی نظیر مالکیت، خرید و فروش، بازسازی یا مرمت را به صورت عملی یا اخلاقی اجرا کرد. (Logan, 2012, p.236)

تا به امروز، حفاظت از میراث فرهنگی اغلب به عنوان یک مسئله فنی و مدیریتی در نظر گرفته شده است. به طور خاص، روش‌های فنی برای حفظ و نجات عناصر میراث فرهنگی و استراتژی‌های مدیریتی مربوطه محور اصلی مباحث بوده‌اند. با این حال، از آنجایی که حفاظت از میراث فرهنگی با مدیریت منابع و تخصیص آن‌ها ارتباط نزدیکی دارد، این مسئله دارای ابعاد سیاسی بسیار قوی نیز است. (وکیل و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۴) این بُعد سیاسی به طور مستقیم با تهدیداتی که برای حقوق بشر ایجاد می‌شود، در ارتباط است. به همین دلیل، تصمیم‌گیری درباره اینکه آیا یک عنصر فرهنگی ارزش حفاظت دارد یا خیر و همچنین نظارت بر فرآیند حفاظت، باید از منظر حقوق بشر بررسی شود.

اندیشیدن به میراث فرهنگی یک جامعه، بدون در نظر گرفتن انسان‌هایی که در آن جامعه زندگی می‌کنند و حقوق آن‌ها، غیرممکن است. به عنوان مثال، سخنان «حیدر اورایی» مدیر موزه

ملی عراق، پس از حمله داعش به موزه موصل نشان‌دهنده این واقعیت است: «آن‌ها فقط مجسمه بودند، اما برای ما زنده بودند. ما از آن‌ها هستیم و آن‌ها بخشی از ما هستند. این فرهنگ و باور ماست. انگار کسی می‌خواست ما را بکشد. این واقعاً مثل یک قتل بود. این سخنان به‌وضوح نشان می‌دهد که این‌گونه ویرانی‌ها چقدر می‌تواند دردناک باشد و تا چه اندازه به کرامت انسانی و حقوق بشر حمله کند. از این رو، رویکرد مبتنی بر حقوق بشر به میراث فرهنگی، نه تنها بر حفاظت از عناصر میراث فرهنگی متمرکز است، بلکه به حفظ حقوق و ارتباط انسان‌هایی که با این عناصر فرهنگی پیوند دارند نیز می‌پردازد. (Bennoune, 2018) به همین دلیل، حفاظت از میراث فرهنگی یک موضوع حقوق بشری است.

امروزه بحث درباره ظهور یک حق جدید انسانی با عنوان «حق میراث فرهنگی» که از حقوق فرهنگی سرچشمه می‌گیرد، در جریان است. (Hodder, 2010, p.866) مبنای این حق، حق مشارکت در زندگی فرهنگی است که به‌عنوان یکی از حقوق فرهنگی شناخته می‌شود. حق مشارکت در زندگی فرهنگی که از حقوق فرهنگی به شمار می‌آید، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تضمین شده است. محتوای این حق از طریق تفاسیر عمومی ارائه‌شده توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روشن‌تر شده است.^۱

۱. در تفسیر عمومی شماره ۱۷، بیان شده است که موضوع حق مشارکت در زندگی فرهنگی، هم افراد و هم جوامع هستند؛ بنابراین، بهره‌مندی از این حق می‌تواند به‌صورت فردی، با دیگران، یا در قالب یک اجتماع یا گروه صورت گیرد. (UE.C.12/GC/17) در تفسیر عمومی شماره ۲۱، حق مشارکت در زندگی فرهنگی از سه عنصر اصلی تشکیل شده است: مشارکت، دسترسی و کمک به زندگی فرهنگی (E/C.12/GC/21: 4) مشارکت شامل حق افراد برای حرکت آزادانه، انتخاب هویت خود، ارتباط با یک یا چند اجتماع یا گروه، یا تغییر این انتخاب، مشارکت در زندگی سیاسی جامعه، اشتغال به فعالیت‌های فرهنگی دلخواه و بیان خود به زبان انتخابی است. این عنصر همچنین شامل جست‌وجو و توسعه دانش فرهنگی، به اشتراک‌گذاری آن با دیگران و مشارکت در فعالیت‌های خلاقانه است. (E/C.12/GC/21: 4) دسترسی به معنای حق افراد برای شناخت و درک فرهنگ خود و دیگران از طریق آموزش و اطلاعات است. همچنین شامل دریافت آموزش و پرورش با کیفیت که هویت فرهنگی افراد را به‌طور کامل مدنظر قرار دهد، آشنایی با اشکال بیان و انتقال اطلاعات و بهره‌مندی از منابع فرهنگی مانند زمین، آب، تنوع زیستی، زبان و مؤسسات خاص است. (E/C.12/GC/21: 4) کمک به زندگی فرهنگی به معنای حق افراد برای مشارکت در ایجاد ابعاد معنوی، مادی، ذهنی و احساسی جامعه است. این حق با مشارکت در توسعه اجتماع خود و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که بر حقوق فرهنگی فرد تأثیر می‌گذارند، تقویت می‌شود. (E/C.12/GC/21: 4) در راستای تحقق حق مشارکت در زندگی فرهنگی، دولت‌ها

حقوق دسترسی، مشارکت و کمک به میراث فرهنگی که تحت عنوان حق میراث فرهنگی شناخته می‌شود، از نتایج حق مشارکت در زندگی فرهنگی است. دسترسی به میراث فرهنگی به معنای بازدید، مشاهده یا تجربه مستقیم یا غیرمستقیم از عناصر میراث فرهنگی است. اصل منع تبعیض در این حق، از عناصر مشارکت و کمک جدانشدنی نیست. با این حال، حق دسترسی به میراث فرهنگی محدود است و ممکن است برای حفاظت از میراث فرهنگی محدودیت‌هایی برای این حق اعمال شود. (Hodder, 2010, p.876)

در چارچوب حق میراث فرهنگی، دولت‌ها مسئولیت دارند تا در زمان‌های جنگ و صلح، میراث فرهنگی را شامل میراث فرهنگی گروه‌های آسیب‌پذیر، افراد یا گروه‌های حاشیه‌ای، حفظ، توسعه، غنی‌سازی و انتقال سنت‌ها به نسل‌های آینده را تضمین کنند. نگهداری، حفاظت، بازسازی و دسترس‌پذیر کردن مکان‌های تاریخی، یادبودها، آثار هنری و آثار ادبی نمونه‌هایی از مسئولیت‌های دولت‌ها در این زمینه هستند. تحقق این حق نیازمند مشارکت فعال و معنادار افراد و جوامع در فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به میراث فرهنگی است. در این زمینه، دولت‌ها باید نمایندگی جوامع مختلف را در ارگان‌های تصمیم‌گیری مربوطه فراهم کنند و با آن‌ها مشورت نمایند. (Donders, 2020, p.396)

ارتباط حق میراث فرهنگی با حقوق بشر تنها به حق مشارکت در زندگی فرهنگی محدود نمی‌شود. مفهوم کرامت انسانی که اساس اندیشه حقوق بشر است، حق افراد برای درخواست احترام به میراث فرهنگی‌شان که جزء جدایی‌ناپذیر هویت‌ها، تاریخ‌ها و تمدن‌های آنان است را نیز دربر می‌گیرد. (Francioni, 2008, p.4) به همین دلیل، موضوع حفاظت از میراث فرهنگی می‌تواند در چارچوب حقوق بشر کلاسیک مانند آزادی بیان، آزادی تفکر، وجدان و دین، حق مالکیت و حقوق اقتصادی نیز مطرح شود، به اندازه‌ای که با ماهیت موضوع مرتبط باشد.

۳. ارزیابی کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در پرتو حقوق بشر

اولین تفکرات و بحث‌ها در مورد حفاظت از میراث فرهنگی به دوران یونان باستان بازمی‌گردد. این بحث‌های اولیه معمولاً بر ایده‌های فیلسوفان درباره غارت و نابودی ارزش‌های فرهنگی متعلق به

علاوه بر تعهدات منفی مبنی بر پرهیز از مداخله در فعالیت‌های فرهنگی و دسترسی به محصولات و خدمات فرهنگی، تعهدات مثبتی نیز دارند. این تعهدات شامل فراهم کردن شرایط لازم برای مشارکت در زندگی فرهنگی، حمایت و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و حفاظت از محصولات فرهنگی است. (E/C.12/GC/21)

دشمنان، به‌ویژه معابد دینی و ساختمان‌ها متمرکز بود. به‌عنوان مثال، پولیبیوس در آثار خود بیان کرده بود که ثروت‌هایی غیر از طلا و نقره باید در مکان‌های خود باقی بمانند تا افتخار بیشتری به همراه داشته باشند. (Merryman, 2005, p.13)

اگرچه این تفکرات اولیه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی به دوران بسیار قدیم بازمی‌گردد، اما تأثیر آن‌ها در متون حقوق بین‌الملل به میانه‌های قرن بیستم رسید. در این راستا، سازمان‌هایی مانند یونسکو، شورای بین‌المللی موزه‌ها، شورای بین‌المللی آثار و محوطه‌ها^۱ و شورای بین‌المللی آرشئوها^۲ اقدامات متعددی برای حفاظت بین‌المللی از میراث فرهنگی انجام داده‌اند. این تنظیمات در تعیین سیاست‌های میراث فرهنگی در سطح جهانی راهنمایی‌هایی را ارائه کرده‌اند.

تأمین یک حفاظت مؤثر و جهانی از میراث فرهنگی تنها از طریق تفسیر هم‌زمان مقررات مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی در کنار اصول حقوق بشر امکان‌پذیر است؛ بنابراین، کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حفاظت از میراث فرهنگی باید در پرتو تفکر حقوق بشر بررسی شوند. این رویکرد جدید در نظر گرفتن حفاظت از میراث فرهنگی در چارچوب حقوق بشر، به‌ویژه با توجه به این‌که خود مفهوم «میراث فرهنگی» اخیراً مطرح شده است، اجتناب‌ناپذیر است. در حقوق بین‌الملل، تلاش‌های انجام شده در زمینه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی گاهی به‌طور آشکار و گاهی به‌طور ضمنی به حقوق بشر اشاره داشته‌اند. (میرجعفری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۵۹۱۰) در این راستا، کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی در پرتو حقوق بشر باید ارزیابی شوند.

الف) اسناد پذیرفته‌شده در چارچوب سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی

مهم‌ترین اسناد قابل بررسی در خصوص تلاش‌های مدرن برای حفاظت از میراث فرهنگی، قطعاً کنوانسیون لاهه در مورد حفاظت از اموال فرهنگی در هنگام درگیری‌های مسلحانه است که در سال ۱۹۵۴ توسط یونسکو پذیرفته شد. این کنوانسیون اولین مقرراتی است که برای حفاظت سیستماتیک از میراث فرهنگی تدوین شده است. (Papaioannou, 2017, p.259) در این اسناد، برای اولین بار اصطلاح «اموال فرهنگی» در یک متن حقوقی بین‌المللی استفاده شد. از این زمان به بعد، واژه‌هایی چون «آثار باستانی» یا «آنتیک» جای خود را به اصطلاح «اموال فرهنگی» دادند. در بخش مقدماتی کنوانسیون، اشاره شده است که هر ملت به فرهنگ جهانی خود چیزی

1. ICOMOS
2. ICA

افزوده است و تخریب آثار فرهنگی، صرف نظر از ملیت صاحب آن‌ها، به مثابه حمله به میراث فرهنگی تمام بشریت در نظر گرفته می‌شود. طبق ماده اول این کنوانسیون، «اموال فرهنگی» به شرح زیر تعریف می‌شوند:

- آثار دینی یا دنیوی، یادبودهای معماری، آثار هنری، مکان‌های باارزش باستان‌شناسی، مجموعه‌های تاریخی یا هنری از ساختمان‌ها، آثار هنری، دست‌نوشته‌ها، کتاب‌ها و سایر اشیاء باارزش تاریخی، هنری یا باستان‌شناسی، به همراه مجموعه‌های علمی مهم و مجموعه‌های کتابخانه و آرشیوهای باارزش،

- ساختمان‌هایی که عمدتاً به منظور حفاظت یا نمایش آثار فرهنگی قابل حمل ساخته شده‌اند، مانند موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ، انبارهای آرشیوی و پناهگاه‌هایی برای حفاظت آثار فرهنگی در مواقع درگیری مسلحانه،

- مراکز یادبود که تعداد زیادی از آثار فرهنگی را در خود جای داده‌اند.

این کنوانسیون سعی کرده است تا میان درخواست‌های انسانی برای حفاظت از میراث فرهنگی و نیازهای نظامی برای استفاده از آن‌ها تعادلی برقرار کند و هر دو نوع میراث فرهنگی، چه قابل حمل و چه غیر قابل حمل، تحت حفاظت قرار گیرد. حفاظت ارائه شده توسط این کنوانسیون شامل دو وظیفه اصلی است: تأمین ایمنی و احترام به این آثار. (Toman, 2005)

در سال ۱۹۶۶، در کنفرانس عمومی یونسکو، بیانیه‌ای تحت عنوان «اصول همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی» به تصویب رسید. در ماده اول این بیانیه، ارتباطی میان حقوق بشر، کرامت انسانی و فرهنگ برقرار شده است و چنین آمده است: «هر فرهنگ، شرافت و ارزشی دارد که باید مورد احترام و حفاظت قرار گیرد. هر فرد حق و وظیفه دارد که فرهنگ خود را توسعه دهد... تمامی فرهنگ‌ها اجزای یک میراث مشترک انسانی را تشکیل می‌دهند» سپس، در سال ۱۹۷۰، کنوانسیون یونسکو تحت عنوان «مقابله و جلوگیری از واردات، صادرات و انتقال غیرقانونی مالکیت آثار فرهنگی» به تصویب رسید که یکی از مهم‌ترین قراردادهای زمینه‌ی حفاظت از آثار فرهنگی در زمان صلح بود. بر اساس این کنوانسیون، دولت‌ها متعهد شدند که آثار فرهنگی موجود در سرزمین‌های خود را حفاظت کرده و برای جلوگیری از تجارت غیرقانونی، واردات و صادرات این آثار همکاری کنند. در ابتدای این سند، آمده است که آثار فرهنگی یکی از ارکان اصلی فرهنگ و تمدن مردم هستند و تنها زمانی ارزش واقعی خود را می‌یابند که ریشه‌ها، تاریخ و محیط‌های آن‌ها به وضوح شناخته شود. همچنین بر این نکته تأکید شده است که حفاظت از آثار فرهنگی موجود در

سرزمین خود در برابر سرقت، حفاری‌های غیرقانونی، واردات و صادرات غیرمجاز یک وظیفه برای هر کشور است. در این بیانیه همچنین ذکر شده است که هر دولت مسئولیت معنوی برای احترام به آثار فرهنگی تمامی ملت‌ها دارد.

یکی از مهم‌ترین اسناد پذیرفته شده در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی، کنوانسیون «حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی» است که در سال ۱۹۷۲ توسط یونسکو به تصویب رسید. این کنوانسیون یکی از مهم‌ترین و پرطرفدارترین اسناد یونسکو در این زمینه است که بیشترین تعداد کشورها به آن پیوسته‌اند. با تصویب این کنوانسیون، برای اولین بار اصطلاح «میراث فرهنگی» در سطح سازمان ملل متحد استفاده شد و حوزه میراث فرهنگی به آثار تاریخی، مجموعه‌های ساختمانی و سایت‌ها محدود شد. این کنوانسیون همچنین برای اولین بار کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته میراث جهانی» را برای نظارت بر حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در سطح بین‌المللی تشکیل داد. در این کنوانسیون تأکید شده است که بخش‌های میراث فرهنگی و طبیعی جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و به همین دلیل باید به‌عنوان بخشی از میراث بشری به‌طور مشترک محافظت شوند. (شاکری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۴)

با تخریب مجسمه‌های بودایی افغانستان توسط طالبان در سال ۲۰۰۳، بیانیه یونسکو در مورد «تخریب عمدی میراث فرهنگی» به تصویب رسید. این بیانیه نگرانی‌های جهانی درباره تخریب عمدی میراث فرهنگی در بسیاری از نقاط جهان را اعلام کرد و در آن آمده است که «میراث فرهنگی، جزء جدایی‌ناپذیر هویت فرهنگی جوامع، گروه‌ها و افراد و انسجام اجتماعی است و نابودی عمدی آن می‌تواند تأثیرات منفی بر کرامت انسانی و حقوق بشر داشته باشد» این بیانیه همچنین تأکید کرده است که دولت‌ها مسئولیت‌های بین‌المللی در قبال حفاظت از میراث فرهنگی دارند. با تصویب کنوانسیون «حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی» تنها میراث فرهنگی ملموس تحت حفاظت قرار گرفت، اما در سال ۲۰۰۳، کنوانسیون «حفاظت از میراث فرهنگی غیرملموس» در یونسکو امضا شد که شامل حفظ میراث فرهنگی غیرملموس نیز می‌شود. این سند به‌ویژه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ اشاره کرده است. این اولین بار بود که در یک کنوانسیون بین‌المللی به‌طور صریح به اسناد حقوق بشر در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی اشاره شده است.

در ماده ۲ این کنوانسیون، «میراث فرهنگی غیرملموس» این‌گونه تعریف شده است: «میراث فرهنگی غیرملموس به اعمال، نمایش‌ها، روایت‌ها، اطلاعات، مهارت‌ها و ابزارهای فرهنگی اشاره دارد که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود آن‌ها را شناسایی

می‌کنند. این میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و بر اساس تعاملات با محیط‌های طبیعی و تاریخی خود به‌طور مستمر بازآفرینی می‌شود و به‌این‌ترتیب احساس هویت و تداوم به آن‌ها می‌دهد» این کنوانسیون همچنین تأکید می‌کند که میراث فرهنگی غیرملموس و ملموس از روابط عمیق و پیوسته‌ای برخوردارند و باید به‌طور یکپارچه و مکمل با یکدیگر حفظ شوند. در همین راستا، در بیانیه‌ای که در سال ۲۰۰۴ تحت عنوان «اعلامیه یاماتو» منتشر شد، به اهمیت حفظ میراث فرهنگی غیرملموس به‌عنوان معادل میراث فرهنگی ملموس تأکید گردید. در این بیانیه نیز ذکر شده است که برای حفاظت از میراث فرهنگی ملموس، باید به فرهنگ‌های غیرملموس آن‌ها و افرادی که حامل این فرهنگ‌ها هستند توجه ویژه شود. (Yamato Deklarasyonu, 2004)

ب) اسناد پذیرفته شده در شورای اروپا در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی

در بررسی اسنادی که در زمینه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی در چارچوب شورای اروپا تهیه شده‌اند، نخستین سند پذیرفته شده، «پیمان حفاظت از میراث معماری اروپا» است که در سال ۱۹۸۵ امضا شده است. در ابتدای این سند آمده است: «میراث معماری، بی‌همتاترین بیان و تجلی تنوع و ثروت میراث فرهنگی اروپا و شاهدی بی‌قیمت از گذشته ما است و یک میراث مشترک برای تمام اروپایی‌ها به‌شمار می‌رود»

سند دیگری که در زمینه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی در شورای اروپا پذیرفته شده، «پیمان حفاظت از میراث باستان‌شناسی اروپا» است که در سال ۱۹۹۲ در وایتا امضا شده است. هدف این پیمان، حفاظت از میراث باستان‌شناسی به‌عنوان منبع حافظه جمعی اروپا و ابزاری برای تحقیقات تاریخی و علمی مطرح شده است.

در سال ۱۹۹۲، در «پیمان شهری اروپا» حفاظت از میراث تاریخی شهری به تصویب رسید. این سند حاوی بندهایی است که با پیمان حفاظت از میراث معماری اروپا همخوانی دارد. در آن آمده است که میراث شهری از اهمیت حیاتی برای هویت شهر و شهروندان برخوردار است و به‌عنوان بخشی از ساختار شهری غیرقابل جایگزین است و باید برای آگاهی از گذشته و آینده مشترک اروپا، حفظ و به نسل‌های آینده منتقل شود.

مهم‌ترین سندی که در زمینه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی در شورای اروپا پذیرفته شده، بی‌شک «پیمان چارچوبی ارزش میراث فرهنگی برای جامعه» (پیمان فارو) است که در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵ امضا شده است. در این سند به‌وضوح به جنبه حقوق بشری میراث فرهنگی اشاره شده و حتی تحت عنوان «حق میراث فرهنگی» مطرح گردیده است. (بیدقی و همکاران، ۱۴۰۲، صص ۱۵۳-۱۵۴)

در ابتدای این پیمان گفته شده است که نیاز به یک مفهوم گسترده و میان‌رشته‌ای از میراث فرهنگی که انسان‌ها و ارزش‌های انسانی را در مرکز قرار دهد، پذیرفته شده است. در ماده ۱ این پیمان آمده است: «پذیرفتن این‌که حقوق مربوط به میراث فرهنگی ذاتاً در حق مشارکت در زندگی فرهنگی، همان‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف شده است، نهفته است» در ماده ۲ این پیمان، میراث فرهنگی به‌عنوان «مجموعه‌ای از منابع که مردم به‌عنوان ابراز و بازتابی از ارزش‌ها، اعتقادات، دانش و سنت‌های در حال تحول خود از گذشته دریافت کرده‌اند، شناسایی می‌کنند.» تعریف شده است. این تعریف باعث تغییر اساسی در درک مفهوم میراث فرهنگی در ادبیات بین‌المللی شده و در این پیمان به‌عنوان یک ساختار پویا و تغییرپذیر مطرح شده است. این رویکرد به‌ویژه با تلاش‌های شورای اروپا برای مشروعیت بخشیدن به مفهوم تعلقات فرهنگی چندگانه و تقویت حس هویت مشترک و شهروندی اروپایی شکل گرفته است. (Uzuner, 2020, p.28)

این پیمان همچنین نخستین پیمانی است که به میراث فرهنگی از دیدگاهی جامع می‌نگرد. در مواد این پیمان، تفکیک میان حفاظت از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس وجود ندارد. علاوه بر این، میراث فرهنگی به‌عنوان «مجموعه‌ای از مردم که ارزش‌های خاصی از میراث فرهنگی خود را در چارچوب عمل عمومی حفظ و به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند» تعریف شده است. این تعریف، به جوامعی اشاره دارد که ممکن است هیچ پیوند زبانی یا قومی نداشته باشند و حتی تاریخ مشترکی نداشته باشند، اما به دلایل مختلف خود را به میراث فرهنگی متصل می‌دانند. به همین دلیل، این پیمان به بیداری جدیدی در زمینه آگاهی از میراث فرهنگی اشاره دارد. (Therond, 2008, p.10)

محدوده و محتوای حق میراث فرهنگی در ماده ۴ پیمان که به «حقوق و تعهدات مربوط به میراث فرهنگی» پرداخته، ذکر شده است. بر اساس این ماده: «طرف‌ها موافقت می‌کنند که: الف) به‌طور فردی یا جمعی، هرکسی حق بهره‌برداری از میراث فرهنگی و مشارکت در غنی‌سازی آن را دارد؛ ب) به‌طور فردی یا جمعی، هرکسی موظف است به میراث فرهنگی خود و همچنین به میراث فرهنگی دیگران و به‌طورکلی به میراث مشترک اروپا احترام بگذارد؛ ج) استفاده از حق میراث فرهنگی ممکن است در یک جامعه دموکراتیک، تنها به دلایل ضروری برای حفظ منافع عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران محدود شود»

پیمان فارو با معرفی حق میراث فرهنگی به‌عنوان بخشی از حق مشارکت در زندگی فرهنگی، به‌طور خاص به وجود حق بهره‌برداری از میراث فرهنگی و مشارکت در حفاظت از آن اشاره کرده است. این حق، مانند دیگر حقوق بشر، جهانی، غیرقابل تقسیم و غیرقابل انتقال است. (Bisch, 2008, p.60) بر اساس این پیمان، هر فرد، در صورتی که حقوق و آزادی‌های دیگران را رعایت کند، حق دارد با هر

عنصر میراث فرهنگی که می‌خواهد ارتباط برقرار کند، از آن بهره‌برداری کند و آن را به نسل‌های آینده منتقل نماید.

این پیمان، حق میراث فرهنگی را در پیوند با حق مشارکت در زندگی فرهنگی که در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «پیمان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» آمده است، تعریف می‌کند. طبق این پیمان، کسانی که به دلایل مختلف برای میراث فرهنگی ارزش قائل هستند و در پی حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده هستند، باید در فرایندهای تعریف و مدیریت آن دخیل باشند. پیمان فارو، برخلاف پیمان‌های بین‌المللی پیشین، رویکردی انسان‌محور و مبتنی بر حقوق بشر اتخاذ کرده و بر «چرا» باید میراث فرهنگی حفظ شود، تأکید کرده است نه «چگونه» این پیمان میراث فرهنگی را برای اروپایی‌ها هم به‌عنوان حق و هم به‌عنوان مسئولیت می‌بیند و دیدگاهی جدید از میراث فرهنگی را به جامعه جهانی ارائه می‌دهد که در آن، همه افراد می‌توانند از میراث فرهنگی بهره‌مند شوند، در تفسیر آن نقش ایفا کنند و در ساخت آن مشارکت داشته باشند. این پیمان که در تاریخ ۱ ژوئن ۲۰۱۱ به تصویب رسید تا اکتبر ۲۰۲۰ توسط ۲۵ کشور عضو شورای اروپا امضا شده است... درنهایت، با بررسی اسناد بین‌المللی آماده‌شده برای حفاظت از میراث فرهنگی، مشاهده می‌شود که مفهوم میراث فرهنگی که ابتدا فقط به حفاظت از دارایی‌های فرهنگی محدود بود، در گذر زمان به مسئله‌ای مرتبط با حقوق بشر تبدیل شده است. برای شناسایی این‌که این رابطه با کدام دسته از حقوق بشر مرتبط است و وجود یک حق مستقل برای میراث فرهنگی، باید اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تفسیرها، تصمیمات و اصول موجود در سیستم‌های نظارتی این اسناد مورد بررسی قرار گیرند.

در سال‌های اخیر، وجود و دامنه حق میراث فرهنگی که به‌عنوان یک حق بشر از حق مشارکت در زندگی فرهنگی نشأت گرفته و به‌عنوان حق دسترسی، مشارکت و کمک به میراث فرهنگی بیان شده، مورد بحث قرار گرفته است. (Hodder, Bennoun, 2020, p.866) اگرچه مفهوم حق میراث فرهنگی به‌طور مستقیم در هیچ‌کدام از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان یک دسته خاص از حقوق تنظیم نشده است، اما حق مشارکت در زندگی فرهنگی در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر تضمین شده است. در این اسناد، سازوکارهای نظارتی این اسناد برای ارزیابی موارد مربوط به حق مشارکت در زندگی فرهنگی، وجود، دامنه و محدودیت‌های حق میراث فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین، جایگاه حق میراث فرهنگی در حقوق بشر بین‌المللی باید در زمینه حق مشارکت در زندگی فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

۴. حق میراث فرهنگی در سیستم حقوق بشر سازمان ملل

اعلامیه جهانی حقوق بشر و حق میراث فرهنگی ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ پذیرفته و اعلام شد، به‌طور صریح بیان می‌کند که «هرکسی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت کند، از آثار هنری بهره‌مند شود، در پیشرفت علمی مشارکت داشته باشد و از منافع آن بهره‌برداری کند. هر فرد حق دارد منافع مادی و معنوی ناشی از آثار علمی، ادبی و هنری خود را حفظ نماید.» (Universal Declaration of Human Rights, 1948, Article 27)

بر اساس این ماده، حق مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی به‌طور واضح به‌عنوان یک حق بشر به رسمیت شناخته شده است؛ اما توضیحی در مورد معنای مشارکت در زندگی فرهنگی و اینکه از «آزادی» در این زمینه چه مفهومی باید برداشت شود، ارائه نشده است. تعیین محتوای این حق و شفاف‌سازی نظرات مربوط به حق میراث فرهنگی از طریق توصیه‌ها و بیانیه‌های تفسیری که توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه شده، امکان‌پذیر گردیده است.

در ماده ۱۵ پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در سازمان ملل پذیرفته شد، نیز به‌حق مشارکت در زندگی فرهنگی اشاره شده است. متن ماده به شرح زیر است:

«دول عضو این پیمان، به هر فرد حقوق زیر را می‌شناسند:

- مشارکت در زندگی فرهنگی؛

- بهره‌برداری از پیشرفت‌های علمی و نتایج آن؛

- بهره‌برداری از منافع مادی و معنوی ناشی از آثار علمی، ادبی و هنری که خود ایجاد کرده است.

برای تحقق کامل این حقوق، تدابیر لازم برای حفاظت، توسعه و گسترش علم و فرهنگ باید توسط دول عضو اتخاذ شود. دول عضو پیمان، متعهد به احترام به آزادی ضروری برای تحقیق علمی و فعالیت‌های خلاقانه خواهند بود. دول عضو پیمان، توافق دارند که منافع ناشی از ترویج و توسعه روابط و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های علمی و فرهنگی را شناسایی کنند» با این ماده، مشارکت در زندگی فرهنگی به‌طور واضح به‌عنوان یک حق بشر به رسمیت شناخته شده است. دامنه این حق، از طریق بیانیه تفسیر عمومی شماره ۲۱ که توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۹ منتشر شد، روشن شده است. در این بیانیه، کمیته اظهار داشته است که حقوق فرهنگی جزئی جدایی‌ناپذیر از حقوق بشر هستند و مانند تمام حقوق بشر جهانی و غیرقابل تقسیم هستند. ترویج و احترام به حقوق فرهنگی برای حفظ کرامت انسانی و

ایجاد تعاملات اجتماعی مثبت بین افراد و جوامع در دنیای چندفرهنگی ضروری است.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این بیانیه اشاره کرده است که حق دسترسی به میراث فرهنگی و بهره‌برداری از آن نیز باید در این زمینه قرار گیرد و از آن حمایت شود. در این راستا، مسئولیت‌های دولت‌ها شامل حفاظت، توسعه و غنی‌سازی میراث فرهنگی در دوران جنگ و صلح و انتقال آن به نسل‌های آینده است. علاوه بر این، نگهداری، حفاظت و مرمت بناهای تاریخی، آثار هنری و آثار ادبی نیز به‌عنوان مسئولیت‌های دولت‌ها در چارچوب حق میراث فرهنگی ذکر شده است. برای جلوگیری از نقض حق میراث فرهنگی، دولت‌ها موظف به احترام به میراث فرهنگی گروه‌ها یا افراد محروم و حاشیه‌ای نیز هستند.

در توصیه‌نامه شورای حقوق بشر سازمان ملل در تاریخ ۶ اکتبر ۲۰۱۶، موضوعات مربوط به حقوق فرهنگی و حفاظت از میراث فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. در این تصمیم، آمده است که آسیب به یک جزء میراث فرهنگی، چه ملموس و چه غیرملموس، به‌عنوان آسیب به میراث انسانیت به‌طور کلی تلقی می‌شود. از دست دادن یا آسیب به میراث فرهنگی می‌تواند تأثیرات منفی و غیرقابل برگشتی بر حقوق فرهنگی، به‌ویژه حق دسترسی به میراث فرهنگی و بهره‌برداری از آن داشته باشد. همچنین تأکید شده است که حفاظت از حقوق فرهنگی در چارچوب حق میراث فرهنگی، در مقابله با تروریسم نیز اهمیت دارد.

در این بیانیه، گفته شده است که حق مشارکت در زندگی فرهنگی شامل حق دسترسی به میراث فرهنگی و بهره‌برداری از آن است و تأکید شده که هر فرد حق برخورداری از این حقوق را دارد. نقض این حق می‌تواند به بی‌ثباتی، تهدید هویت فرهنگی و تعارض اجتماعی منجر شود. بر همین اساس، از تمامی دولت‌ها خواسته شده است تا به حق میراث فرهنگی احترام گذاشته، آن را شناسایی و محافظت کنند. همچنین در این بیانیه بیان شده است که حفاظت از میراث فرهنگی باید به‌عنوان یک بخش مهم از کمک‌های بشردوستانه در نظر گرفته شود و دولت‌ها باید سیاست‌هایی بدون تبعیض جنسیتی برای حفاظت از میراث فرهنگی اتخاذ کنند. علاوه بر این، دولت‌ها موظف‌اند امنیت مدافعان حقوق میراث فرهنگی را نیز تضمین کنند. در توصیه‌نامه‌ای که در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۱۸ توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل صادر شد، حق میراث فرهنگی به‌عنوان ادامه حق مشارکت در زندگی فرهنگی که در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۵ پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شده است، پذیرفته شده است. بر اساس این تصمیم، هر فرد حق دسترسی به میراث فرهنگی و بهره‌برداری از آن را دارد. اصول مطرح‌شده در تصمیم قبلی تکرار شده و از دولت‌ها خواسته شده است

که در این زمینه اقداماتی را انجام دهند. (UNHRC, 2018)

پذیرش حق میراث فرهنگی به‌عنوان جزئی از حق مشارکت در زندگی فرهنگی، ضرورت تعیین حدود این حق را نیز ایجاب می‌کند. در این زمینه، دلایل کلی محدودیت‌ها که در ماده ۴ پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شده است، باید به کار گرفته شود. طبق این ماده، «دول عضو این پیمان، استفاده از حقوقی که مطابق با این پیمان به رسمیت شناخته‌اند را در یک جامعه دموکراتیک فقط به‌منظور حفظ منافع عمومی و تنها تا حدی که با ماهیت این حقوق سازگار باشد، تحت محدودیت‌های قانونی قرار خواهند داد» بنابراین، محدود کردن حق میراث فرهنگی توسط دولت‌ها تنها زمانی ممکن است که محدودیت‌ها برای حفظ منافع عمومی در یک جامعه دموکراتیک، سازگار با ماهیت حق میراث فرهنگی بوده و محدودیت‌ها به‌طور قانونی پیش‌بینی شده باشد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که بر اساس تصمیمات شورای حقوق بشر سازمان ملل، حق دسترسی به میراث فرهنگی به‌عنوان ادامه حق مشارکت در زندگی فرهنگی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور واضح به رسمیت شناخته شده، پذیرفته شده است. طبق این دیدگاه، دسترسی به میراث فرهنگی و بهره‌برداری از آن، حق ذاتی و غیرقابل انتقال است که هر فرد از آن برخوردار است. با این حال، چون تصمیمات شورای حقوق بشر سازمان ملل جنبه توصیه‌ای دارند و الزام‌آور نیستند، افراد نمی‌توانند برای نقض حق میراث فرهنگی خود به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکایت کنند.

این شرایط منفی که در پذیرش و تصدیق حق میراث فرهنگی وجود دارد، از طرفی جنبه مثبت نیز دارد. عدم توانایی مکانیزم‌های موجود در سازمان ملل برای اعمال فشار بر دولت‌ها موجب می‌شود که این نهادها رویکردهای آزادی‌خواهانه‌تر و پیشرفته‌تری را اتخاذ کنند و به این ترتیب، امکان شکل‌گیری آینده‌ای نوین در زمینه حقوق بشر فراهم شود. به همین دلیل، فراخوان‌های مکرر شورای حقوق بشر سازمان ملل به دولت‌ها برای به‌رسمیت شناختن و حفاظت از حق میراث فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است. این فراخوان‌ها و فشارهای ناشی از آن می‌تواند منجر به توافقات مشترک در جامعه بین‌المللی و در نهایت به تنظیم مقررات الزام‌آور در حقوق بین‌المللی حقوق بشر در زمینه حق میراث فرهنگی منتهی شود.

نتیجه‌گیری

میراث فرهنگی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر هویت‌بخش جوامع انسانی، دارای ابعاد حقوقی و بشری گسترده‌ای است که در اسناد بین‌المللی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم حق میراث فرهنگی، برخاسته از حق مشارکت در زندگی فرهنگی، در معاهدات و اسناد بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و در ارتباط تنگاتنگی با اصولی نظیر کرامت انسانی، تنوع فرهنگی و حقوق اقلیت‌ها قرار دارد. کنوانسیون‌های یونسکو، پیمان فارو و اسناد حقوق بشری سازمان ملل، همگی بر اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی تأکید کرده و دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه ملزم کرده‌اند. با این حال، چالش‌های متعددی همچنان مانع از تحقق کامل این حق در عرصه بین‌المللی می‌شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به عدم وجود ضمانت‌های اجرایی کافی، بهره‌برداری‌های سیاسی از میراث فرهنگی، نبود تعهدات الزام‌آور برای دولت‌ها و تخریب‌های عمدی میراث در شرایط جنگ و بحران‌های بین‌المللی اشاره کرد. بررسی رویه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که علی‌رغم پذیرش اصول کلی حق میراث فرهنگی، مکانیسم‌های اجرایی موجود قادر به تضمین کامل این حق نیستند و حفاظت از میراث فرهنگی همچنان نیازمند تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تدوین سیاست‌های حقوقی جامع و نظارت مؤثرتر بر اجرای تعهدات بین‌المللی است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پذیرش حق میراث فرهنگی به‌عنوان یک حق بشری، می‌تواند تأثیرات مثبتی در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی داشته باشد. به رسمیت شناختن این حق در نظام بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را ملزم به اتخاذ سیاست‌های جامع‌تری در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی می‌کند و به تقویت رویکردهای مشارکتی در این حوزه کمک خواهد کرد. از این رو، ضرورت دارد که جامعه بین‌المللی با اتخاذ راهکارهای الزام‌آور، از جمله تدوین اسناد حقوقی مؤثرتر، افزایش نظارت‌های بین‌المللی و تقویت همکاری‌های میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، به سمت تحقق و اجرای مؤثر حق میراث فرهنگی گام بردارد.

منابع

۱. بیدقی، باقر؛ بلوری، پیمان و ذوالقدر، مالک (۱۴۰۲). رویه‌ی محاکم بین‌المللی کیفری در برقراری ارتباط با میراث فرهنگی از منظر حقوق بشر. *تعالی حقوق*، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۸۵.
۲. شاکری، زهرا و جعفرپور، یاسمن (۱۳۹۷). راهکارهای مدیریتی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری در موزه‌ها. *فصلنامه علمی فنی هنری*، شماره ۸۲، صص ۲۹-۴۰.
۳. میرجعفری، سید علیرضا؛ مرادی، مریم و امینی نیا، عاطفه (۱۴۰۱). حمایت حقوقی و قانونی و حفاظت فیزیکی از میراث فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۵۹۰۰-۵۹۱۶.
۴. وکیل، امیر ساعد و قشلاقی، نیگجه (۱۴۰۰). حمایت از میراث فرهنگی جهانی در رویه دیوان بین‌المللی کیفری. *فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۹۴، صص ۱۱۹-۱۳۹.
1. Aykan, B. (2018) Kültürel Miras Hakkı: Kültürel Mirasa İnsan Hakları Temelli Güncel Yaklaşımlar. *Alternatif Politika*, 10(2), 231-252.
2. Bisch, P. M. (2008) On the Right to Heritage: The Innovative Approach of Articles 1 and 2 of the Faro Convention. In *Heritage and Beyond* (pp. 45-60) Council of Europe Publishing.
3. Blake, J. (2000) On Defining the Cultural Heritage. *The International and Comparative Law Quarterly*, 49(1), 61-85.
4. Borowiecki, K. J. Forbes, N. & Fresa, A. (2016) *Cultural Heritage in a Changing World*. Springer International Publishing.
5. Donders, Y. (2020) Cultural Heritage and Human Rights. In *Oxford Handbook of International Cultural Heritage Law* (F. Francioni & A. Vrdoljak, Eds.), Oxford University Press, 379-406.
6. Francioni, F. (2008) Heritage and Human Rights: An Introduction. In *Cultural Human Rights* (F. Francioni & M. Scheinin, Eds.), Martinus Nijhoff Publishers, 1-15.
7. Graham, B. & Howard, P. (2008) Heritage and Identity. In *The Ashgate Research Companion to Heritage and Identity* (B. Graham & P. Howard, Eds.), Ashgate Publishing Company, 1-17.
8. Hodder, I. (2010) Cultural Heritage Rights: From Ownership and Descent Justice and Well-Being. *Anthropological Quarterly*, 83(4), 861-882.
9. Ito, N. (n.d) Intangible Cultural Heritage Involved in Tangible Cultural Heritage. Retrieved from: <https://pdfs.semanticscholar.org/37ae/5586f1427a5e65d3f2f5c12a79881f5d0772.pdf>
10. Kersel, M. M. & Luke, C. (2015) Civil Societies? Heritage Diplomacy and Neo-Imperialism. In *Global Heritage: A Reader* (L. Meskell, Ed.), Wiley-Blackwell, 70-94.
11. Logan, W. (2012) Cultural Diversity, Cultural Heritage and Human Rights: Towards Heritage Management as Human Rights Based Cultural Practice. *International Journal of Heritage Studies*, 18(3), 231-244.

12. Merryman, J. H. (2005) Cultural Property Internationalism. *International Journal of Cultural Property*, 12, 11-39.
13. Papaioannou, K. (2017) The International Law on the Protection of Cultural Heritage. *IJASOS*, 3(7), 257-262.
14. Prott, L. V. & O'Keefe, P. J. (1992) Cultural Heritage or Cultural Property. *International Journal on Cultural Property*, 1(2), 307-320.
15. Sancakdar, O. (2012) *Taşınmaz Kültür ve Tabiat Varlıkları Hukuku* (2nd ed) Seçkin Yayıncılık, Ankara.
16. Smith, L. (2006) *Uses of Heritage*. Routledge, New York.
17. Therond, D. (2008) Benefits and Innovations of the Council of Europe Framework Convention on the Value of Cultural Heritage for Society. In *Heritage and Beyond* (pp. 61-75) Council of Europe Publishing.
18. Toman, T. (2005) The Hague Convention: A Decisive Step taken by the International Community. *Museum International: Protection and Restitution*, Blackwell Publish, Oxford, 15.
19. Uzuner, E. Ö. (2004) Yeni Miraslar ve Uluslararası Sözleşmelerde Sürdürülebilir Kalkınma Stratejileri. *Milli Folklor*, 25(100), 14-30.
20. Vecco, M. (2010) A Definition of Cultural Heritage: From Tangible to the Intangible. *Journal of Cultural Heritage*, 11, 321-324.
21. Ziegler, K. (2007) Cultural Heritage and Human Rights. In *La Salvaguardia Dei Beni Culturali Nel Diritto Internazionale* (G. Giuffrè Milano, Ed.) , University of Oxford Faculty of Law Legal Studies Research Paper Series.

